## جلسه 63

**چهار‌شنبه - 16/11/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مشتق بود.

عرض کردیم بین مشتق نحوی و مشتق اصولی فرق هست. نسبت بین این دو نسبت عموم من وجه است. مشتق نحوی آنی است که هیئتش وضع نوعی مستقل دارد، شامل فعل هم می‌‌شود. اما مشتق اصولی آنی است که صحیح است حملش بر ذات و لذا ضرب مشتق نحوی هست اما مشتق اصولی نیست. زید ضرب است نمی‌گوییم. ولی زوج، سیف، مشتق اصولی است چون حمل بر ذات می‌‌شود در حالی که از نظر نحوی اسم جامد است.

بلکه عرض کردیم در مفاد جمله مضاف و مضاف‌الیه این بحث مشتق مطرح است مثل حرمت علیکم امهات نساءکم که آیا حقیقت است در خصوص متلبس به مبدأ؟ الا مادرزن ما باشد تا بشود محرم با ما یا نه، و لو مادر زن سابق ما باشد، چطور می‌‌شود مادر زن سابق ما باشد همان مثال که شخصی دختر شیرخواری را گرفت داد به زنش شیر بدهد این دختر شیرخوار را. این مسأله هم در روایت مطرح شده و هم فقهاء ما از جمله فخرالمحققین و شهید ثانی در مسالک مطرح کردند. عبارت فخر المحققین این است: لو کانت عند رجل زوجتان کبیرتان. در مثال آسان یک زوجه کبیره فرض می‌‌شود، اما هم در روایت هم در کلام فخر المحققین و شهید ثانی مثال را پیچیده‌تر کردند و فرض کردند مردی دو زوجه کبیره دارد، ‌رفت یک دخترشیرخواری را هم گرفت، ‌ثم تزوج صغیرة فارضعتها احداهما بمقدار الرضاع الکامل، یک زوجه کبیره پانزده بار این دختربچه را شیر داد. بعدش آن زوجه کبیره ثانیه پانزده بار این دختربچه را شیر داد، ‌فتحرم الصغیرة و الکبیرة الاولی علیه. آن دختربچه و آن زوجه کبیره اولی حرام می‌‌شوند بر این مرد. آن دختربچه یا بخاطر این‌که دختر رضاعی این مرد می‌‌شود اگر از شیر این مرد رضاع حاصل شده یعنی آن زوجه کبیره نوزادی به دنیا آورد که مربوط به این زوج بود و با آن شیر این زوجه صغیره را شیر داد، ‌بعد از پانزده بار رضاع این دختربچه می‌‌شود دختر رضاعی این مرد و اگر از شیر این مرد نباشد از شیر شوهر سابقش باشد، یعنی آن زوجه کبیره شوهر سابقش او را حامله کرد و از او بچه‌دار شد، بعد از این‌که از او بچه‌دار شد آمد طلاق گرفته بود آمد زن این مرد شد، این دختربچه از شیر این مرد ارتزاق نکرده و لکن بعد از تحقق رضاع کامل می‌‌شود ربیبه این مرد، ربائبکم من نساءکم اللاتی دخلتم بهن، این هم حرام است. پس این دختربچه یا بنت رضاعی این مرد می‌‌شود یا ربیبه این مرد. حرام ابدی بر او می‌‌شود.

بله یک فرض نادری هست که نه رضاع این دختربچه با شیر این مرد هست و نه با آن زوجه کبیره این مرد دخول کرده. تازه عقد کردند این مرد با آن زوجه کبیره. با آن بچه شیرخوارش از شوهر قبلیش آمد در خانه این آقا این آقا هم فعلا از ارتباط کامل زناشویی با آن زوجه کبیره محروم بوده، ‌موفق نبوده در این ارتباط کامل، رفت یک دختربچه‌ای را به عقد خودش در آورد آورد داد به این زوجه کبیره گفت این را شیر بده. این‌جا وجهی برای محرمیت این دختربچه با این مرد نیست. چرا؟ برای این‌که نه بنت رضاعیه او می‌‌شود نه ربیبه از زنی که به او دخول شده. ربائکم من نساءکم اللاتی دخلتم بهن. حالا حکمش چیست؟‌ ظاهر مشهور این است که ازدواج این دختربچه و آن زوجه کبیره منفسخ می‌‌شود. حالا هرکدام را خواست مجددا عقد بکند مختار است. چون جمع بین‌ام و بنت در ازدواج جایز نیست. الان این دختربچه شد بنت آن زوجه کبیره. لایجمع بین الام و البنت. مشهور این را می‌‌گویند در این فرض نادر که نه این دختربچه از شیر این مرد خورده بلکه این شیر مربوط به ولادت یک فرزندی است از شوهر سابق این شوهر کبیره و نه این مرد دخول کرده به این زوجه کبیره.

در این فرض این دختربچه حرام ابدی نمی‌شود چون نه بنت رضاعی این مرد شده نه ربیبه از زوجه مدخول بها. مشهور می‌‌گویند ازدواج هر دو منفسخ می‌‌شود چون لایجمع بین الام و البنت و لکن صحیح این است که بگوییم ازدواج این مرد با این دختربچه مستحکم هست آن زوجه کبیره می‌‌شود‌ام الزوجة. و به عنوان مادرزن باید این مرد از او پذیرایی کند. دلیل زوجیت این زوجه صغیره هنوز هم محکم است و ورود دارد بر دلیل زوجیت زوجه کبیره چون او را امهات نساءکم کرد حرمت علیکم امهات نساءکم. تا دیروز به او می‌‌گفت حاج خانم، تا پانزده بار رضاع کامل محقق شد به او می‌‌گوید مادر. این فرض نامتعارف است. ما آن فرض‌های متعارف را بررسی کنیم این پیشکش شما.

فرض متعارف این است که یا این دختربچه از شیر این مرد شیر خورده یعنی آن زوجه کبیره هم شیرش بخاطر ولادت یک فرزندی است که از این شوهر است یا لااقل این دختربچه می‌‌شود ربیبه زوجه مدخول بها دختر رضاعیه یک زنی که مدخول بها است. پس این زوجه صغیره بعد از تحقق رضاع کامل قطعا حرام ابدی می‌‌شود بر این مرد یا بنت رضاعیه او می‌‌شود یا ربیبه از زوجه مدخول بها.

مرحوم فخر المحققین فرموده آن زوجه کبیره اولی هم مادرزنش است، حرمت علیکم امهات نساءکم. و لکن فی تحریم الکبیرة‌الثانیة خلاف اما آن زوجه کبیره ثانیه که بعدا آمد پانزده بار شیر داد به این دختربچه آیا او هم حرام ابدی می‌‌شود بر این مرد؟ اختلاف است. اختار والدی و صاحب السرائر تحریمها. علامه حلی پدر من و صاحب سرائر گفتند زوجه کبیره ثانیه هم حرام ابدی می‌‌شود بر این مرد طمع‌کار که هر روز یک زنی می‌‌گیرد با این شکل. حیث یصدق علیها انها‌ام زوجته چون به او هم صادق است بگوییم مادرزن او است. وقتی که این دختربچه را دادند دست این زوجه کبیره ثانیه او شیر بدهد، ‌که دیگه این زوجه صغیره از زوجیت این مرد خارج شده بود. چون با تحقق رضاع کامل با زوجه کبیره اولی این زوجه صغیره حرام ابدی شد بر این مرد. مرحوم فخر المحققین فرموده است این درست نیست این زوجه کبیره هم‌ام الزوجة‌است. لانه لایشترط فی صدق المشتق بقاء المعنی المشتق‌منه. چون در صدق مشتق تلبس فعلی به مبدأ لازم نیست فکذا هنا. این زوجه کبیره ثانیه شد مادرزن سابق این آقا. مادرزن سابق هم حرام ابدی است بر مرد.

شهید ثانی هم در مسالک تعبیرش این است. یک مقدار بالاتر. ذهب اکثر المتاخرین و ابن ادریس فی السرائر و الحلی فی مختصر النافع الی تحریم الکبیرة الثانیة ایضا لان هذه یصدق علیها انها‌ام زوجته و ان کان عقدها قد انفسخ و لو وقتی این زوجه کبیره ثانیه شیر داد به این دختربچه عقد این مرد با این دختربچه منفسخ شده بود حرام ابدی شده بود بر این مرد بخاطر رضاع زوجه کبیره اولی و لکن باز این زوجه کبیره ثانیه صدق می‌‌کند‌ام زوجته است. لان الاصح انه لایشترط فی صدق المشتق بقاء المعنی. یعنی بقاء التلبس بالمبدأ. فتدخل تحت قوله تعالی و امهات نساءکم.

این فرع را مقداری بحث بکنیم. چون یکی از ثمرات بحث مشتق همین فرع است و فرع‌های مشابه آن. یک فرعی مطرح کنم به عنوان فرع مشابه. در فقه مطرح است برخی از بزرگان هم فتوی دادند. از جمله بخاطرم است که امام فتوی دادند. دو تا برادر هستند در یک خانه زندگی می‌‌کنند می‌‌خواهند زن هایشان به آن برادرشوهر محرم بشوند. حالا گاهی وارد می‌‌شود این برادر شوهر خانه، زن برادر نامحرم است اذیت می‌‌شود، می‌‌خواهند زن داداش به آن‌ها محرم بشود، چه کار بکنند؟ برخی از بزرگان پیشنهاد دادند این دو برادر هر کدام یک دخترشیرخوار را ازدواج بکنند با او، ‌البته اولش خانم هایشان را حامله کنند بچه‌دار بشوند که شیر داشته باشند. اول بالاخره باید چاه را بکنی بعد مناره بدزدی. بعد هرکدام از این دو برادر بروند یک دختربچه‌ای را بگیرند، ‌بدهند به زن‌برادرشان شیر بدهد، علی و حسن مثلا، علی برود یک دختربچه‌ای را بگیرد بدهد به زن حسن آقا بگوید این را شیر بده. شیر که داد، این علی می‌‌شود عموی رضاعی این دختربچه. و زن برادرش می‌‌شود مادرزن سابقش.

[سؤال: ... جواب:] این دختربچه خارج می‌‌شود از زوجیت. این دختربچه هدف نبود وسیله بود که این زن برادرش محرم بشود که شد، شد مادرزنش. فتوی دادند، امام فتوی داده در تحریر.

و همین‌طور آن حسن آقا هم همین کار را آن‌جام می‌‌دهد آن دختربچه‌ها بر می‌‌گردند خانه پدران‌شان ولی از این به بعد زن برادر‌ها به برادرشوهرها محرم هستند. این از برکات این بحث مشتق است.

ما راجع به همان فرعی که شهید ثانی مطرح کرد و فخر المحققین مطرح کردند یک مقدار بحث کنیم. راجع به این‌که دختربچه، زوجه صغیره حرام ابدی می‌‌شود بر این شوهر که بحثی نیست در آن دو فرض که یا بنت رضاعیه این شوهر می‌‌شود اگر از شیر این شوهر ارتضاع شده و یا اگر از شیر این شوهر نیست از شیر شوهر سابق باشد دخول کرده باشد به آن زوجه کبیره، می‌‌شود بنت رضاعیه زوجه مدخول بها، ربائکم من نساءکم الاتی دخلتم بهن. اما بحث این است که این زوجه کبیره اولی چرا حرام ابدی بشود بر این مرد؟ زوجه کبیره اولی فضلا عن الثانیة. زوجه کبیره اولی چرا حرام ابدی بشود بر این شوهر. هیچ زمانی بطور تحقیق او مادر زن این مرد نبوده است. تا این ساعت هشت صبح امروز که آخرین رضاع پانزدهم نشده بود، که این زوجه صغیره بنت رضاعیه این مرد نشده بود. رضاع کامل نبود. بگذریم از عامه که این حد‌ها را قائل نیستند، حتی شرائط دیگر را هم قائل نیستند، و لذا گفتند حتی اگر شوهر هم یک بار شیر بخورد از زنش این می‌‌شود فرزند رضاعی او و حرام ابدی می‌‌شود. دیگه او خیلی افتضاح است. حد رضاع دختری است کمتر از دو سال، پانزده بار هم شیر خورد. حالا مرحوم آقای خوئی می‌‌فرمود ده بار هم شیر بخورد کافی است، ‌ما مشهور را حساب می‌‌کنیم پانزده بار. امروز ساعت هشت رضاع پانزدهم محقق شد بین زوجه کبیره اولی و این زوجه صغیره. تا قبل ازاین رضاع کامل که این زوجه صغیره هنوز بنت دختر این زن نشده بود. کما این‌که دختر این مرد هم نشده بود. به مجردی که رضاع کامل محقق شد و این زوجه صغیره شد دختر آن زن و اگر با شیر این مرد هم بود دختر این مرد، در آن زمان دیگر زوجه این مرد نیست. در آن زمانی که رضاع کامل محقق شد، درست است که آن زوجه کبیره مادر این دختر بچه است ولی دیگه این دختربچه زوجه این مرد نیست. آن لحظه‌ای که این دختربچه زوجه این مرد بود، آن زوجه کبیره مادررضاعی او نبود، آن لحظه‌ای که این دختربچه دختر رضاعی این زن شد، آن لحظه‌ای است که دیگر این دختربچه زوجه این مرد نیست. جمع نشده یک زمانی بین امومت آن زوجه کبیره و زوجیت این زوجه صغیره. می‌‌شود‌ام زوجه سابقه. و چون مشتق حقیقت در من انقضی عنه المبدأ نیست، و لذا زوجه کبیره اولی هم هیچوقت متلبس نبود به این‌که‌ام زوجه فعلیه این مرد است. برای چی او حرام ابدی بشود بر این مرد. اما زوجه کبیره ثانیه که واضح است، او که واضح است که‌ام زوجه فعلیه این مرد نیست.

برای این‌که تصحیح بشود فتوی مشهور بلکه ادعی علیه الاجماع که زوجه کبیره اولی حرام ابدی شده بر این مرد، دو راه مطرح است:

یک راه این است که علی القاعدة ما تلاش کنیم بگوییم این زوجه کبیره اولی تحت عموم امهات نساءکم داخل می‌‌شود. یک راه هم این است که تمسک به روایت بکنیم. چون در روایت فرموده تحرم الزوجة الکبیرة الاولی. روایت را بخوانم. کلینی عن علی بن محمد که علی بن محمد بندار است که ثقه است عن صالح بن ابی حماد. این صالح بن ابی حماد محل بحث است که بحث خواهیم کرد. عن علی بن مهزیار عن ابی جعفر علیه السلام. این ابی جعفر علیه السلام به تناسب علی بن مهزیار باید امام جواد علیه السلام باشد. قیل له ان رجلا تزوج بجاریة صغیرة فارضعتها امرأته ثم ارضعتها امرأة اخری له. اول این زوجه صغیره را داد به زوجه کبیره اولی شیر داد، بعدش که رضاع کامل با او محقق شد، داد به زوجه کبیره ثانیه، ‌او این دختربچه را شیر داد. فقال ابن شبرمة حرمت علیه الجاریة و ابنتاه. ابن شبرمة مثل این‌که می‌‌گفته مشتق حقیقت در اعم است از من انقضی عنه المبدأ است. می‌‌گفت هم دختربچه حرام ابدی می‌‌شود بر این مرد هم آن دو تا زن. فقال ابوجعفر علیه السلام اخطأ ابن شبرمة. ابن شبرمة یکی از فقهاء بزرگ عامه بوده، معاصر با امام باقر علیه السلام بوده. تحرم علیه الجاریة امام فرمود بی جا می‌‌کند ابن شبرمه این حرف را می‌‌زند. اخطأ ابن شبرمة تحرم علیه الجاریة وامرأته التی ارضعتها اولا. آن زوجه کبیره اولی حرام ابدی می‌‌شود بر این مرد. فاما الاخیرة فلم تحرم علیه، ‌زوجه کبیره ثانیه حرام ابدی نمی‌شود بر این مرد کانها ارضعت ابنته، چون او کانه دختر بچه این مرد را شیر داده، زوجه این مرد را که شیر نداده. کانها ارضعت ابنته، دختربچه این مرد را شیر داده چون این دختربچه دیگه زوجه این مرد نیست موقع ارضاع زوجه کبیره ثانیه.

مرحوم شهید ثانی در مسالک مخالف با این روایت است او می‌‌گوید زوجه کبیره ثانیه هم حرام می‌‌شود. بعد می‌‌گوید این روایت را ما سندش را چون قبول نداریم، صالح بن ابی حماد توثیق ندارد، و لذا اعتمادی به این حدیث نداریم. می‌‌رویم سراغ قاعده اولیه که اقتضاء می‌‌کند حرمت زوجه کبیره ثانیه را چون مشتق اعم است از من انقضی عنه المبدأ.

روایت را باید بررسی کنیم سندا، ‌دلالتش که واضح است باید سندش را بررسی کنیم. اما حالا فعلا همان وجه اول که علی القاعدة است بیان کنیم. گفته شده: عرفا آن زوجه کبیره اولی صادق است بر او‌ام الزوجة. زوجه کبیره ثانیه بله عرفی نیست چون هیچوقت مادرزن من نشده، مادر زن سابق من شده، ‌مادر زن سابق که‌ام الزوجة نیست. زوجه کبیره ثانیه‌ام الزوجة، بر او صدق نمی‌کند.‌ام الزوجة السابقة است و مشتق حقیقت در من انقضی عنه المبدأ نیست. اما زوجه کبیره اولی گفته می‌‌شود عرفا‌ام الزوجة است. چرا؟‌ خوب دقت کنید، ‌چون در رتبه‌ای که رضاع کامل محقق شد بین زوجه کبیره اولی و این زوجه صغیره، در رتبه تحقق موضوع، ‌هنوز حکم به زوال زوجیت این زوجه صغیره نشده بود. رتبه موضوع قبل از رتبه حکم است. موضوع زوال زوجیت زوجه صغیره تحقق رضاع کامل است. در رتبه موضوع که تحقق رضاع کامل است هنوز حکم به زوال زوجیت زوجه صغیره محقق نشده. در رتبه تحقق موضوع هنوز حکم به زوال زوجیت این زوجه صغیره نشده، خب در این رتبه صدق می‌‌کند که این زوجه کبیره مادرزن من است. در رتبه تحقق موضوع که رضاع کامل است هنوز حکم که مترتب است بر این رضاع کامل که عبارت است از زوال زوجیت زوجه صغیره، ‌در رتبه تحقق موضوع هنوز حکم مترتب نیست یعنی هنوز در رتبه تحقق رضاع کامل حکم به زوال زوجیت این زوجه صغیره نشده. وقتی در این رتبه هنوز حکم نشده به زوال زوجیت زوجه صغیره در این رتبه تحقق موضوع صدق می‌‌کند عرفا که این زوجه کبیره اولی‌ام الزوجة است.

مرحوم صاحب جواهر هم فرموده: حالا در مشتق هر چی می‌‌گویید بگویید ولی در اضافه امر سهل است. در اضافه ادنی مناسبت کافی است. اضافه‌ام به زوجه که بگویید مادرزن، ‌همین کافی است که مادرزن سابق باشد. که لازمه این فرمایش صاحب جواهر این است که زوجه کبیره ثانیه هم حرام بشود. ولی فعلا زوجه کبیره اولی. ایشان می‌‌گوید اصلا مربوط به بحث مشتق هم نیست چون الامر فی الاضافة سهل. می‌‌گویید مادرزن دوست من است، می‌‌گویند کی؟ می‌‌گویید زید، می‌‌گویند زید که چند سال است رابطه تو با او بهم خورده، می‌‌گویید کافی است در اضافه که مادر دوست سابقم است می‌‌گویند مادردوست من است. این اضافه در او آسان گرفته شده. این ادعای صاحب جواهر است.

به نظر ما این ادعا درست نیست. کی عرف می‌‌گوید در همین زوجه کبیره اولی فضلا عن الزوجة الکبیرة الثانیة کی عرف می‌‌گوید در این زمان معین این زوجه کبیره اولی مادرزن من شده است. خود عرف هم ملتفت است. شاهدش این است که ما وقتی بیان می‌‌کردیم خود دوستان یک عده‌ای گفتند، ‌دیگه ذهن عرفی بهتر از این‌که هیچ زمانی آن زوجه کبیره اولی هم مادرزن نبوده. آن وقتی که این زوجه صغیره زن من بود، او مادرش نبود، چون رضاع کامل نشده بود، آن وقتی که او مادرش شد، دیگه او زوجه من نبوده.

[سؤال: ... جواب:] فقهاء که خلاف این ادعاء ما را مطرح کردند یا به استناد روایت بعضیش یا به استناد این است که مشتق اعم است از ما انقضی عنه المبد‌أ و لذا این حرف را زدند. وانگهی مگه ما مقلد دیگران هستیم. خودمان باید عرفی حساب کنیم.

و لذا حق این است که علی القاعدة زوجه کبیره اولی حرام ابدی نمی‌شود در فرضی که زوجه صغیره بنت رضاعی من بشود یا ربیبه زوجه مدخول بها فضلا عن الزوجة الکبیرة الثانیة. بله اگر روایت سندش درست باشد می‌‌پذیریم.

و من هنا تبین حکم آن دو تا برادری که می‌‌خواستند زن هایشان به هم محرم بشود که علی القاعدة محرم نمی‌شود چون در هیچ زمانی زن برادرش مادرزنش نبوده.

تامل بفرمایید انشاءالله تا روز شنبه.